

آخرین مأموریت مردی که رفت تا شهر بماند



تألیف آرزویی

دولتمردان اصلاً جوانب حذف ارز ترجیحی رو نسنجیدین. مادر من یک زن تنها و پیره که ۱۰ پسر و دختر داره و همه ما ازدواج کردیم. مادرم با این یک میلیون که ۵۰۰ هزار تومن هم روش گذاشت فقط یک روغن خرید، وقتی همه چیز گرون شده، بقیه چیزها رو چه جوری بخره؟ دیگه صله رحم و همه چیز باید کنار گذاشته بشه. مادر و پدرهای پیر که یک عمر با آبرو زندگی کردن، روشن نمیشه دست جلو بچه‌هاشون دراز کنن. تو رو خدا فکری به حال مردم نکنن.

■ خانویون رسالت همت آباد، چند ماهه خیابون اصلی رو کندن و ما از ساعت ۶ صبح که میخوایم بریم سر کار، توی ترافیک هستیم. لطفاً پیگیری کنید. به خدا هر روز دیر میرسیم سر کار.

■ چرا از اول سال جاری به کارگرهای حجمی شهرداری رفاقیات تعلق نگرفته در صورتی که به کارگرهای رسمی در هر مناسبتی رفاقیات تعلق میگیره؟

■ برای بازگشایی رسالت شمالی به سمت طبرسی شمالی فکری کاربردی بکنید تا این ترافیک فلج‌کننده صبحگاهی و عصرگاهی رسالت شمالی برطرف شود.

■ از سمت بولوار شهید کشمیری و شهرک امید، امکان ایجاد یک معبر وجود دارد که با رفع اندکی از موانع فعلاً کاربردی‌ترین مسیر، اتصال دو جاده شمال-مشهد است.

■ چرا از عیدی بیمه روستایی هیچ وقت و هیچ جا حرفی نیست؟ امسال عیدی بازنشستگان و همه ارگان‌ها دو برابر شد به جز بیمه روستایی. مگه روستایی‌ها جزو ایرانی‌ها نیستن؟

■ برای ما مستاجر‌ها که زیر پوشش بهزیستی هستیم و شوهرمون مریضه، مسئولین کاری بکنن. به خدا این گرونی‌ها و اجاره‌ها فشار زیادی بهمون آورده و شرمنده بچه‌هامون شدیم.

■ چه عدالتیه که ما رو از دهک یک بردن هشت در حالی که نه خانه داریم نه ماشین؟ با سه تا بچه کوچیک برای پوشک بچه و کرایه خانه ماندیم، رتفم با کالابرگ خرید کنم، مغازه‌دار میگه من دهک هفت هستم، شما چه طور دهک هشت شدین؟ به داد ما فقیرها هم برسین.

■ من ۲۸ سالمه، سرطان خون دارم. همسرم کارگره. حتی گوشی دستش رو فروخته تا خرج دکتر من بکنه. بیمه ما سلامت است. هرجا میریم و هر دارویی میگیریم، باید به فکر فروش یک چیزی باشیم؛ ولی با همه گرفتاری‌ها گرانی کاری کرده جلو دو تا بچه‌ام شرمنده شدم. جواب این بچه‌ها رو کی میخواد بده؟

■ یارانه شوهرم از من و دخترم جداست. حساب شوهرم مسدوده و خودم سرپرست خانواده شدم. یارانه برای شوهرم واریز نمیشه و کالابرگش رو هم گفتند هنوز شارژ نشده و دهکش هم بالاست. شوهرم حتی کار نداره. حالا موندن چکار کنم.

■ چرا کسی جلوی این افزایش قیمت‌ها رو نمیگیره؟ سه تا بچه دارم دولوق هم هستن. برای خرید پوشک و شیرخشک که این قدر گرون شده، مشکل دارم. مستاجریم و دهک هفت شدیم. چرا باید با بی عدالتی و سختی زندگی مون رو بگذرونیم؟ از اجاره‌های بالا و گرونی همه اجناس هم نمیشه اصلاً گفت.

■ نیروی پاکبان شهرداری مشهد هستم. ۶ سال پیش قانونی اومد که تمام نیروهای قراردادی، حجمی و... و وضعیت شون؛ اما مافیای کارفرما و سرمایه‌دار اجازه این کار را نمدین؛ چون با این قانون

در منطقه پل فجر، سه بسیجی که از مناطق دیگر برای تأمین امنیت به این محله آمده بودند هم شهید شدند؛ اما از نیروهای همسرم کسی به شهادت نرسید.

همسر شهید روجی می‌افزاید: ما سعی می‌کردیم در بیمارستان به او آرامش بدهیم و در حالی که یکی از نیروهای بسیج زیرمجموعه همسرم مجروح بود، به او از صحت و سلامت همه بچه‌های بسیج خبر می‌دادیم. البته همسرم چهار روز پس از پنجمن جانبازی عمرش، بالاخره به یاران شهیدش پیوست.

رجب‌زاده درباره اتفاق‌های آن شب‌های پریهاهو می‌گوید: همسرم در مسجد حضرت زینب(س) در منطقه طبرسی فعالیت داشت. شب پیش از مجروحیتش هم همراه نیروهای بسیج در مسجد محاصره شده بودند. وقتی دیدم محله خیلی شلوغ است، تماس گرفتم و علی‌اکبر وضعیت خودش و نیروهایش را برابم شرح داد. از این گفت که پس از محاصره مسجد و تلاش تروریست‌ها برای آتش زدن بانک همان نزدیکی، از نیروی انتظامی درخواست کمک کرده‌اند و موقع صحبت ما، داخل مسجد پر از گاز اشک‌آور بود و همراه بچه‌های بسیج به پشت‌بام مسجد رفته بودند. آقا علی‌اکبر فردا شب در همان محله طبرسی هنگام عملیات برای تأمین امنیت شهر مجروح شد.

او ادامه می‌دهد: آن ایام هر شب خیلی دیر وقت به منزل برمی‌گشت. وقتی می‌آمد، هنوز زمان زیادی نگذشته بود، که بچه‌های بسیج تماس می‌گرفتند و می‌گفتند «حاجی بیا که محله به مسجد برمی‌گشت.»

لیلا خانم از نگرانی‌های آن روزها بیان می‌کند: همسرم ۵۶ سالش بود. وقتی به خاطر نگرانی، موقع برگشت به مسجد به او می‌گفتم ما چهار تا بچه داریم، کمی هم به بچه‌هایمان فکر کن، تو همه عمرت را خدمت کرده‌ای، بگذار بقیه این کارها را انجام دهند، به من می‌گفت: «اگر نرویم، این بچه‌ها تجربه ندارند تا کارها را پیش ببرند، به ما احتیاج دارند. باید کنار بچه‌های بسیج باشیم تا حداقل راهنمایی‌شان کنیم». به او می‌گفتم: تو اصلاً به بچه‌هایمان فکر می‌کنی؟ پاسخ می‌داد: «بچه‌های من بزرگ شدند، می‌توانند راه خودشان را انتخاب کنند. من هم باید راه خودم را بروم و به بچه‌ها کاری ندارم.»

همسر شهید روجی یادآور می‌شود: روز مجروحیت همسرم، من به دندانی‌زگی رفته بودم. حدود ساعت ۲ آدمم منزل دیدم همسرم نیست. از دخترم پرسیدم بابا کجاست؟ گفت: از طرف بسیج خبر دادند و رفته است. به او زنگ زدم و گفتم توی مسیر که آدمم، خیلی شلوغ بود. شما کجا هستید؟ جواب داد: «آماده‌باش زدند.» گفتم اما شما ناهار نخوردی. علی‌اکبر گفت: «غذا را آماده کن. می‌آیم خانه و دو لقمه می‌خورم». همان هم شد. هنوز چند لقمه نخورده بود که بیسیم زدند و باید فوری برمی‌گشت. با من و دخترم خداحافظی کرد. او را از زیر قرآن رد کردم و رفت. آن شب دلم خیلی آشوب بود. من و بچه‌ها نگرانش بودیم. نمی‌دانستیم بیرون چه خبر است. بچه‌ها دائم تماس می‌گرفتند و می‌گفتند چرا خبری از بابا نیست؟ ساعت حدود ۹:۱۵ شب آقایی به گوشی دخترم زنگ زد و پس از اینکه فهمید ما خانواده علی‌اکبر هستیم، گفت او مجروح شده و با آمبولانس به

بولوار طبرسی شمالی غیرقابل تصور بود. شاید هیچ وقت فکر نمی‌کردند روزی در نزدیکی پل فجر، عده‌ای اغتشاشگر پرچم ایران را پایین بکشند و پاره کنند یا کسی بخواهد به مسجد، بانک و فروشگاه حمله کند. هیچ وقت فکر نمی‌کردند پل فجر بشود قتلگاه بسیجیانی که دل در گرو مرام شهدا داشتند. در میان شهدای آن شب‌ها اما شهید علی‌اکبر روجی که متولد ۱۳۴۸ بود به دلیل ترکش‌هایی که با خود از جبهه دفاع مقدس هشت ساله یادگاری آورده بود، قصه متفاوتی دارد؛ روایتی که تنها آن‌ها که با دست خود، رفاقی شهیدشان را به سوی بهشت بدرقه کرده بودند، حس می‌کنند.

لیلا رجب‌زاده، یار و یاور سال‌ها زندگی مشترک شهید علی‌اکبر روجی است. او که تا پیش از این به‌عنوان همسر جانباز هشت سال دفاع مقدس شناخته می‌شد، امروز بهترین راوی برای توصیف حال و هوای همسرش و زندگی او به سبک شهداست. حاصل زندگی لیلا و علی‌اکبر چهار فرزند سی و شش، سی و دو، بیست و هفت و بیست ساله است.

او درباره همسفر شهیدش می‌گوید: همسرم جانباز هشت سال دفاع مقدس و بازنشسته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. از ۱۴ سالگی به جبهه رفت و ۴۰ ماه در جبهه نبرد حق علیه باطل حضور داشت و تقریباً در چهار عملیات مختلف در همان دوران جنگ تحمیلی جانباز شده بود. ازدواج ما دو سال پیش از اتمام جنگ بود. آقا علی‌اکبر در شهرستان اسفراین خدمت می‌کرد و در این دو سال که نامزد بودیم، او مرتب به جبهه می‌رفت و من هم چشم‌انتظارش بودم. ازدواجمان سبب نشد دست از جبهه رفتن و ادای تکلیف بکشد. تا هنگام بازنشستگی همسرم در اسفراین بودیم و پس از اینکه بازنشسته شد، ساکن مشهد شدیم.

رجب‌زاده درباره روحیات همسر شهیدش بیان می‌کند: پرنرنگ‌ترین خاطراتم از او را که مرور می‌کنم، فقط می‌توانم بگویم علی‌اکبر خیلی مردمی بود. دوست داشت همیشه در راه شهدا و خدمت به مردم باشد. وقتی به مشهد آمدم، در حوزه شورای حل اختلاف فعالیت می‌کرد. عضو هیئت امنای مسجد نزدیک منزل هم شده بود تا بتواند بیشتر به مردم خدمت کند. او مسئولیت بسیج را هم قبول کرده بود و در این زمینه فعالیت داشت.

لیلا خانم درباره ارتباط آقا علی‌اکبر با رفاقی شهیدش عنوان می‌کند: همسرم هم‌رزم شهید کاوه بود و هر بار که به بهشت رضاع) می‌رفتم، به مزار شهدا و این شهید عزیز سر می‌زدیم چون همسرم تعلق خاطر خاصی به مزار شهید کاوه داشت. هر وقت به مزار این شهید سر می‌زدیم، از خاطراتش با او یاد می‌کرد و می‌گفت: «خیلی آرامش بخش است. اینجا که می‌آیم، آرام می‌گیرم».

او که حالا بیش از ۴۰ روز است، یار و یاور سال‌های زندگی‌اش را کنار خودش ندارد، به روزهای تلخ و تاریک فتنه آمریکایی-صهیونیستی دی ماه ۱۴۰۴ اشاره می‌کند و درباره شهادت علی‌اکبرش یادآور می‌شود: همسرم در فتنه دی ماه ابتدا مجروح شد. وقتی در بیمارستان به ملاقاتش رفته بودیم، همه فکر و ذکرش نیروهای بسیجی بود که آن ایام با او برای تأمین امنیت شهر همراهی می‌کردند. دغدغه‌اش این بود که آیا بچه‌های بسیجی سالم هستند؟ شب مجروحیت همسرم

پاسخ رئیس شورای روستای شهرک به گلایه مخاطب قدس در خصوص نبود فضای بازی برای کودکان در این روستا

با سلام، به اطلاع می‌رساند به تازگی نخستین پارک با همه لوازم استاندارد در سطح شهرک افتتاح شد.



تألیف آرزویی

خراسان شمالی

اجرای ۵۸۵ طرح اقتصادی در استان با تسهیلات تبصره ۱۸

مدیر کل امور اقتصادی و دارایی خراسان شمالی گفت: امسال ۵۸۵ طرح اقتصادی با ۹ هزار و ۲۷۰ میلیارد ریال تسهیلات تبصره ۱۸ در این استان اجرا شد.

محسن بجنوردی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: این میزان تسهیلات برای طرح‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی و کشاورزی پرداخت شده که بر این اساس، عملکرد شبکه بانکی استان در مجموع به حدود ۹۱ درصد رسیده است. میزان منابع تسهیلاتی تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ برای استان ۲۰۰ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال تعیین شده بود که بخش عمده آن جذب و به متقاضیان واجد شرایط پرداخت شده است.

رونمایی شد. مدیرعامل سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری مشهد نیز توضیح داد: هوش مصنوعی «هوشیار» سه‌بعد پاسخ‌گویی هوشمند، دستیار هوشمند و کارگزار هوشمند دارد. بُعد نخست اکنون عملیاتی شده و سامانه نسبت به داده‌ها و خدمات خاص شهر مشهد آموزش دیده است، به‌طوری که مفاهیم بومی مانند «بابود» را به‌درستی تشخیص می‌دهد. در آینده این سامانه قادر خواهد بود دریافت یک مجوز یا خدمت شهری را به‌طور کامل انجام دهد.

اپلیکیشن «شهر من» با بیش از ۷۰۰ هزار کاربر فعال، مهم‌ترین درگاه خدمات شهری مشهد است که در این مراسم نسخه جدید آن با یکپارچگی بیشتر، اتصال مستقیم به هوش مصنوعی «هوشیار»، بازطراحی باشگاه شهروندی، امکان مدیریت اعضای خانواده، ویجت‌های کاربردی مانند شاخص آلودگی هوا و بازتوسیه خدماتی مانند شارژ «من کارت»

با حضور شهردار مشهد و مدیران شهری صورت گرفت

رونمایی از سه سامانه هوشمند شهرداری مشهد

فریاده خسروی | روز گذشته طی مراسمی در اتاق جلسات شهرداری مشهد، سه سامانه مهم دستیار هوش مصنوعی «هوشیار»، نسخه جدید اپلیکیشن «شهر من» و سامانه پلاک آبی هوشمند املاک در حوزه هوشمندسازی خدمات شهری رونمایی شد.

محمد رضا قلندر شریف، شهردار مشهد این سه اقدام را مجموعه‌ای از اقدام‌های عملی مدیریت شهری برای تسریع در ارائه خدمات، کاهش مراجعات حضوری و ارتقای شفافیت دانست و تأکید کرد: شهرداری مشهد اکنون «بیش از ۸۵ درصد خدمات خود را به‌صورت غیرحضوری ارائه می‌دهد».

شهردار مشهد اظهار کرد: این دستیار هوشمند برای عموم شهروندان قابلیت استفاده دارد و قادر است به پرسش‌ها و نیازهای اطلاعاتی مردم در حوزه خدمات شهری پاسخ دهد. داده‌های آن با بانک‌های اطلاعاتی شهرداری تأمین شده و برای

افزایش دقت، به‌موتورهای معتبر هوش مصنوعی متصل است. محمدرضا سمیعی، مدیرعامل سازمان فاوا شهرداری مشهد نیز توضیح داد: هوش مصنوعی «هوشیار» سه‌بعد پاسخ‌گویی هوشمند، دستیار هوشمند و کارگزار هوشمند دارد. بُعد نخست اکنون عملیاتی شده و سامانه نسبت به داده‌ها و خدمات خاص شهر مشهد آموزش دیده است، به‌طوری که مفاهیم بومی مانند «بابود» را به‌درستی تشخیص می‌دهد. در آینده این سامانه قادر خواهد بود دریافت یک مجوز یا خدمت شهری را به‌طور کامل انجام دهد.

اپلیکیشن «شهر من» با بیش از ۷۰۰ هزار کاربر فعال، مهم‌ترین درگاه خدمات شهری مشهد است که در این مراسم نسخه جدید آن با یکپارچگی بیشتر، اتصال مستقیم به هوش مصنوعی «هوشیار»، بازطراحی باشگاه شهروندی، امکان مدیریت اعضای خانواده، ویجت‌های کاربردی مانند شاخص آلودگی هوا و بازتوسیه خدماتی مانند شارژ «من کارت»

خراسان جنوبی

پیشرفت ۷۰ درصدی زیرساخت‌های آب و فاضلاب

نهضت ملی مسکن در استان

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب خراسان جنوبی گفت: طرح‌های در دست اجرا برای تأمین پایدار آب واحدهای نهضت ملی مسکن در استان به پیشرفت ۷۰ درصدی رسیده است.

حسین توکلی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: تاکنون ۱۲ هزار میلیارد ریال برای اجرای طرح‌های آب و فاضلاب مرتبط با نهضت ملی مسکن در استان هزینه شده و تکمیل این طرح‌ها بیش از ۷ همت اعتبار نیاز دارد. برای اجرای طرح‌های آب‌رسانی به پروژه‌های نهضت ملی مسکن، تاکنون بیش از ۳۰ کیلومتر خط انتقال، ۲۷۰ کیلومتر شبکه توزیع آب و ۱۸ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب اجرا شده است.

مدیرعامل سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری مشهد نیز توضیح داد: هوش مصنوعی «هوشیار» سه‌بعد پاسخ‌گویی هوشمند، دستیار هوشمند و کارگزار هوشمند دارد. بُعد نخست اکنون عملیاتی شده و سامانه نسبت به داده‌ها و خدمات خاص شهر مشهد آموزش دیده است، به‌طوری که مفاهیم بومی مانند «بابود» را به‌درستی تشخیص می‌دهد. در آینده این سامانه قادر خواهد بود دریافت یک مجوز یا خدمت شهری را به‌طور کامل انجام دهد.

اپلیکیشن «شهر من» با بیش از ۷۰۰ هزار کاربر فعال، مهم‌ترین درگاه خدمات شهری مشهد است که در این مراسم نسخه جدید آن با یکپارچگی بیشتر، اتصال مستقیم به هوش مصنوعی «هوشیار»، بازطراحی باشگاه شهروندی، امکان مدیریت اعضای خانواده، ویجت‌های کاربردی مانند شاخص آلودگی هوا و بازتوسیه خدماتی مانند شارژ «من کارت»